

تحلیل حقوقی نقش مناسب سازی محیط در زندگی معلولان و جانبازان و مسئولیت مدنی ناشی از آن

مصطفی واحد شیرتری - دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
علیرضا حسینی* - دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران

چکیده

قلمرو مسئولیت مدنی در دنیای امروز، به حدی گسترده شده است که دیگر باید مطمئن بود هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند. از سویی دیگر در سطح جامعه هستند افرادی که در مواقعی که از سوی جامعه برای آنان خطرات و خساراتی حاصل میشود، مشتاقانه در انتظار یاری جامعه حقوقی و حقوقدانان در جهت حمایت از آنها می باشند. یکی از مهمترین گروه‌هایی که نیازمند این حمایت‌های قانونی هستند افراد معلول و ناتوانی هستند که یا در بدو تولد و به دلایل ژنتیکی و امثالهم به این حال و روز افتاده اند و یا در لحظه تولد کاملاً سالم بوده اند و در طول دوران زندگی خویش نیز از هر حیث بدون هر گونه عیب و نقصی زیسته اند اما به ناگهان در اثر یک حادثه و یا سانحه غیر قابل پیش‌بینی که ممکن است برای هر انسانی رخ دهد و یا بر اثر ناملایمات زمانه خویش و ایجاد حوادث احتمالی مانند جنگ یا ترور و یا حوادث ناشی از وظیفه شغلی مانند آتش نشانان، دچار معلولیت اعم از جسمی و یا ذهنی شده اند که اوج این موارد را باید در کشورمان جانبازان سرفرازی دانست که با جانفشانی‌های خود از مهمترین سرمایه زندگی خویش یعنی سلامتی جسمی و روحی، مایه گذاشته و به افتخار جانبازی نائل آمده اند. یکی از دلایل مهم وارد شدن خسارات جسمانی به معلولان و جانبازان در اثر اعمال تبعیض و متعاقب آن ایجاد حق برای طرح دعوی مسئولیت مدنی که تا کنون به آن پرداخته نشده است، باید ناشی از عدم مناسب‌سازی محیط زندگی پیرامون معلولان دانست. سال‌هاست که در این سرزمین، اشخاص معلول به ویژه جانبازان در معرض بزرگترین خطرهای در اماکن عمومی و خصوصی قرار گرفته‌اند. گاه از طریق جرایم و گاه از طرق دیگر مطلع می‌شویم که فردی نابینا و یا معلول جسمی - حرکتی ضمن عبور از خیابان یا تردد در اماکن دیگر، دچار سوانح دلخراشی شده است یا اگر هم به سلامت به منزل رسیده، با دشواری‌های فراوان، مسیر را طی کرده است. بنابراین جا دارد اجتماع نسبت به مسئولیت خویش در قبال محیط‌های خطرناک حفاظت نشده و مناسب نمودن محیط که برخی از معلولان و جانبازان را به طور جدی تهدید می‌کند آگاه باشد. در این تحقیق، به این پرسش اساسی پرداختیم که معلولان و جانبازان در چنین مواقعی چگونه می‌توانند از ارکان مسئولیت مدنی جهت طرح دعوی استفاده نمایند؟ همچنین در خصوص موضوع مناسب‌سازی محیط، نگاهی خواهیم انداخت به حقوق تطبیقی تا شاید بهتر نقاط ضعف قوانین داخلی، آشکار گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، معلول، جانباز، حقوق معلولان، خسارات، مناسب‌سازی.

Legal analysis of the role of the environment in the life of the disabled and veterans and civil responsibility

Abstract

The realm of civil responsibility in today's world is so widespread that it must be certain that no damage should be left. On the other hand, they are at the level of society, where they are willing to seek the aid of the legal community when they are threatened by society. One of the groups, who need these legal supporting, are disabled people who have fallen at birth at birth, for genetic reasons, or at the moment of a completely healthy birth, and have had a disability in our country, as well as a crime or something that has to be seen in our country. One of the most important causes of physical damage to the disabled and veterans is due to the imposition of discrimination and subsequent rights to the civil lawsuit, which has not been discussed so far, due to the lack of adequate environment surrounding the disabled. For years, in this land, persons with disabilities are particularly vulnerable to dangers in public and private places. From time to time we shall know, through the papers, that a blind or disabled person, a person who is blind or disabled, has suffered tragic accidents in the streets or in other places or if he is safely home. Thus, the community is aware of its responsibility for the dangerous environment and the proper protection of the environment that threatens some of the veterans and veterans seriously. In this study, we discussed how veterans and veterans could use the organs of civic responsibility for the lawsuit. As for the appropriateness of the environment, we will look at the comparative rights to the best of the weaknesses of the internal law.

Keywords: Civil Responsibility, Disabled, disability, Rights, Damages.

بخش اول: مفاهیم مرتبط با معلول و جانباز و حقوق معلولان و جانبازان

این بخش را در دو مبحث، بیان می نمایم.

مبحث اول: تعریف مفهومی معلول و جانباز

این مبحث، شامل دو گفتار است.

گفتار اول: تعریف مفهومی معلول

کلمه معلول اسم مفعول از واژه علت است. به فردی که به هر علت دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می گویند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در زبان‌های لاتین مانند فرانسه و انگلیس از واژه «هندیکپ»^۱ استفاده می‌شود. اصطلاح هندیکپ، نسبتاً جدید بوده ریشه در زبان انگلیسی دارد. در اصل از عبارت (هند-این-کپ)^۲ به معنای «دست در کلاه» ریشه گرفته است (همان منبع، ص ۲۹). این اصطلاح، در قرن هفدهم به نوعی بازی اطلاق می‌شد که شرکت‌کنندگان در آن با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند. جایزه فرد برنده را داور تعیین می‌کرد و در کلاهی گذارده می‌شد. بعدها این اصطلاح در اسب‌سواری به کار برده شد و در ادامه، به طور کلی‌تر در ورزش مورد استفاده قرار گرفت. در این معنا، هندیکپ رقابتی است که در آن به تمامی شرکت‌کنندگان، بختی برابر برای برنده شدن از طریق گذاشتن باری سنگین بر دوش قوی‌ترین‌ها یا طی مسیری طولانی‌تر توسط آنان، اعطا می‌شود. در واقع، این افراد قوی‌تر بودند که تغییری را می‌پذیرفتند تا آنکه رقابت، دارای معنای واقعی و جاذبه شود. لازم به توضیح است واژه معلولیت را باید نزدیک به اصطلاح ناتوانی دانست. در واقع، ناتوانی یک اصطلاح نسبی است (مانعی در برابر انسان برای انجام یک فعالیت به شکل طبیعی آن) تا سال ۱۹۸۰، بیشتر از آن که از اصطلاح ناتوانی استفاده شود از واژه معلولیت استفاده می‌شد. عمده ترین دلیل به تعریف ناتوانی برمی‌گشت که آن را در بی‌کفایتی و عدم استقلال فرد معلول در

انجام فعالیت‌های روزمره زندگی، اشتغال، آموزش و زندگی مستقل می‌دانستند (کمالی و فریبا، ۱۳۹۲، ص ۹۷). گاهی نیز ناتوانی و معلولیت را بر اساس محدودیت عملکردی با محدودیت فعالیت تعریف کرد اند. این محدودیتها به صورت کاهش ویژه در فعالیت‌های روزمره، نسبت به سطح فعالیت قبلی فرد تعریف می‌شود (میرخانی، ۱۳۷۸).

این پرسش مطرح است که آیا یک فرد معلول، دارای توانایی بیشتر از دیگران است؟ در پاسخ باید گفت که معنای موردنظر به شدت به دور از مفهوم کنونی این اصطلاح است. اندک اندک هندیکپ، به عنوان افرادی که از موهبتی محرومند، جا افتاد. به عبارت دیگر، به کسی اطلاق می‌شود که دچار نقص یا کاستی باشد. پس در مفهوم کنونی بدان معنا نیست که فرد معلول بهترین است و به خاطر اینکه به سطح سایرین برسد باید از توانایی‌اش کاسته شود. برعکس، فردی است که توانایی‌اش از سطح دیگران پایین‌تر است. معلولیت اصطلاحی است که از آن این معنا به ذهن خطور می‌کند: موقعیت‌های متعددی که علل آنها متفاوت بوده و دارای اثر واحدی هستند. در زبان متداول امروزی به عنوان نقصان، عدم سلامت، عدم توانایی، نابینایی، فلج بودن، ضعف، جنون، قطع عضو، اختلال کلامی، لالی، ناشنوایی و نیمه‌شنوایی به کار می‌رود. در اینجا مناسب است تا برخی از اصطلاحات فوق را معنا کنیم. کاستی، به معنای ضعف کارکرد یک عضو بدن است. نقصان، در اصل معنایی نزدیک به کاستی دارد که شامل فقدان یا ناکافی بودن کارکرد یک عضو است. قطع عضو، به معنای از دست دادن (تلف) نسبی یا کامل کارکردهای یک عضو یا بخشی از یک عضو است. عدم توانایی، به وضعیت کسی گفته می‌شود که از به جا آوردن عمل معینی ناتوان باشد. از کارافتادگی، مربوط به وضعیت شخصی است که به طور کمابیش، پایداری در انجام یک زندگی فعال به ویژه در یک زندگی شغلی عادی را در اثر جراحت، تصادف، بیماری یا سن از دست داده باشد. بیماری، به دگرگونی در وضعیت سلامت گفته می‌شود که به واسطه علائم و عوارضی خود را نشان می‌دهد. بیماری همواره شامل نوعی تغییر و تحول در وضعیت فرد است (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

طبقه‌بندی بین‌المللی واژه «معلولیت»، در سال

1. Handicap
2. Hand-in- cap

۱۹۸۱ انتشار یافت^۳. این طبقه‌بندی تمیز میان نارسایی، ناتوانی و سلب امتیاز را روشن ساخت. تقسیم‌بندی مزبور، در واقع صرفاً از لحاظ پزشکی دارای ارزش بود و از نظر حقوقی نمی‌توان برای آن اعتباری قائل بود.

گفتار دوم: تعریف مفهومی جانباز

جانباز به معنی جان‌بازنده (باز=بن مضارع فعل باختن) و اصطلاحاً کسی که با جان خود بازی کند و آن را در معرض خطر اندازد می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۶۷). جانبازی را انجام کاری با عشق و توأمان یا همراه با عقل می‌خوانند و این به منظور انجام کار بدون تفکر نیست. اینگونه کسی که برای چیزی یا کاری جان خود را فدا می‌کند جانباز نام می‌گیرد. علی‌اکبر دهخدا برای بهتر بیان نمودن کلمه جانباز، ابتدا کلمه جان‌باختن را بیان می‌کند و در این باره می‌گوید: «جان را از دست دادن، جان را در راه کسی یا چیزی فدا کردن، جان دادن و مردن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۶۶).

مبحث دوم: تعریف حقوقی معلول و جانباز

گفتار اول: تعریف حقوقی معلول

برای دستیابی به تعریفی حقوقی از معلولیت، باید قوانینی را که تعریفی از این اصطلاح ارائه کرده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. به همین منظور قوانین کشورهای ایالات متحده، فرانسه و ایران مطالعه خواهد شد و همچنین تعریفی که کنوانسیون اخیرالتصویب سازمان ملل، راجع به حمایت از معلولان به عنوان آخرین متد در این باره ارائه کرده و اعتبار بین‌المللی دارد، از نظر خواهد گذشت. بنابر تعریفی که قانون توانبخشی ۱۹۷۳ امریکا از معلول ارائه کرده، معلول کسی است که آسیبی جسمی یا ذهنی، فعالیت‌های عمده زندگی وی را محدود کرده باشد. هرچند که این تعریف به عنوان کنار نهادن الگوی پزشکی انگاشته می‌شود، با این حال کسانی هستند که معتقدند به کارگیری واژه «آسیب» توسط قانون، تصویر کسی را نشان می‌دهد که به طور ذاتی دچار نقصان بوده و مفهومی مرتبط با مدل پزشکی

3. La traduction française de cette classification date de 1988: OMS. Classification Internationale des Handicaps: deficiencias. Incapacites. Desavantages. 2e ed. Paris. CTNERHINSERM: 1993.

ارائه می‌دهد. از این تعریف چنین برداشت می‌شود که با آنکه فرد معلول خطا کار نیست، معلولیت نوعی خطا محسوب می‌شود که جامعه باید آن را اصلاح کند (Alexandra, 2003, p537).

به نظر می‌رسد که این عقیده را نباید پذیرفت. در تعریف معلولیت، به کارگیری اصطلاحاتی همچون آسیب، نقصان یا اختلال، احترازان‌پذیر است. آنچه اهمیت دارد، تعهد و تکلیف در برابر رفع یا کاهش آثار آن است. ذکر این نکته ضروری است که قانون توانبخشی، الگوهای پزشکی و آسیب‌شناسی اجتماعی را با مدل حقوق شهروندی تلفیق کرده بود. در فرانسه، واژه «معلول» را برای نخستین بار قانون ۲۳ نوامبر ۱۹۵۷، که راجع به طبقه‌بندی کارگران معلول بود، استفاده کرد. ماده اول این قانون، معلول را تعریف نکرده است. اما از نظر آن قانون، کارگر معلول به کسی گفته می‌شود که توانایی کسب یا حفظ حرفه‌اش به دلیل عدم کفایت یا تقلیل توانایی جسمی یا ذهنی، کاهش یافته باشد. در این تعریف به خوبی اندیشه تمریخش بودن برای اجتماع دیده می‌شود. برای مدت‌های مدیدی در فرانسه موضوع تعریف فرد دارای معلولیت مطرح نبود. چرا که معلول به کسی گفته می‌شد که از سوی کمیسیون فنی جهت‌گیری و طبقه‌بندی حرفه‌ای یا کمیسیون آموزش استثنایی شناسایی می‌شد. لازم به ذکر است که با تصویب قانون ۱۱ فوریه ۲۰۰۵، کمیسیون حقوق و خودگردانی اشخاص معلول، جایگزین کمیسیون‌های پیش‌گفته شده است. قانون شماره ۲۰۰۵۱۳۲ مصوب ۱۱ فوریه ۲۰۰۵، تحت عنوان «برای برابری حقوق و فرصت‌ها، مشارکت و شهروندی اشخاص معلول» تعریفی کلی از معلولیت بدین نحو ارائه می‌کند: «تمامی محدودیت‌ها در فعالیت یا کلیه تنگناهای مربوط به مشارکت در زندگی اجتماعی که به واسطه‌ی محیط، به کسی به خاطر دگرگونی اساسی، دائمی یا قطعی یک یا چند کارکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، فکری یا روانی که ممکن است به صورت چند معلولیتی یا اختلال در سلامت که منجر به ناتوانی فرد می‌شود، تحمیل می‌گردد». به وضوح دیده می‌شود که مدل‌های پزشکی



و آسیب‌شناسی اجتماعی رها شده و الگوی حقوق شهروندی لحاظ گردیده است. در تعدادی از قوانین راجع به حقوق معلولان در ایران، فرد معلول تعریف شده است. در ماده نخست لایحه حمایت از اشتغال معلولان از مجموعه قوانین تأمین اجتماعی، معلول چنین تعریف شده است: «معلول از نظر این قانون کسی است که سلامت جسمانی یا روانی یا توأم او ناقص بوده و یا آسیب دیده و توانایی او در انجام کارهای روزمره کاهش یافته باشد» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱).

بر اساس دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولان و سالمندان الحاقی شماره یک، «معلول به کسی اطلاق می‌شود که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی یا توأم (ناشی از حادثه، بیماری و جنگ) اختلال قابل توجهی به طور مستمر در سلامت و کارایی عمومی بدن و یا در شئون اجتماعی و حرفه‌ای او به وجود آمده، به طوری که این اختلال از استقلال فردی وی بکاهد.» سرانجام تبصره ماده‌ی یک قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تعریف معلول چنین گفته است: «معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد. به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.»

در این تعریف، به تاثیر معلولیت در کاهش نقش و فعالیت اجتماعی فرد اشاره شده است. اما به تأثیر موانع موجود در جامعه هیچ توجهی نشده است. حق آن بود که در تعریف ارائه شده، این نکته نیز لحاظ می‌شد تا به معلولیت به عنوان یک دشواری فردی که منطبق با مدل‌های پزشکی و آسیب‌شناسی اجتماعی است، نگریسته نشود. کنوانسیون راجع به حقوق معلولان، مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ در ماده اول خود ضمن بیان هدف کنوانسیون، معلول را این گونه تعریف کرده است: «معلولان شامل کسانی است که دارای آسیب‌های طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری

۴. دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولان و سالمندان، الحاق شماره ۱ بند ۱ تبصره ۱، به نقل از مجموعه قوانین و مقررات بهزیستی، چاپ اول، تابستان ۷۶.
۵. قانون جامع حمایت از معلولان، نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۷۲۶۶.

و حسی هستند که در برخورد با موانع گوناگون ممکن است مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه به تأخیر افتد.»

گفتار دوم: تعریف حقوقی جانباز

بر طبق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی درصد جانبازی مصوب ۱۳۸۹ هیات دولت، جانباز عبارت است از: «اینارگرانی که در جریان تکوین و شکوفایی انقلاب اسلامی و حفظ و حراست از دستاوردهای ارزشمند آن از تعرض و تجاوز عوامل داخلی و خارجی و یا هر گونه حوادث مستقیم ناشی از آنها به اختلالات و نقصانهای عارضی جسمی و روانی دچار شده یا بشوند و در نتیجه در روند زندگی فردی و اجتماعی با محدودیت‌هایی مواجه شوند که شامل افراد زیر خواهند بود: ۱- کارکنان نیروهای مسلح (سپاه، ارتش و نیروی انتظامی) اعم از پایور پیمانی، بسیجی، وظیفه، خرید خدمت، اعضای هیئت علمی و قراردادی. ۲- نیروهایی که توسط وزارت جهاد سازندگی به مناطق جنگی اعزام شده‌اند؛ و ۳- سایر افرادی که مشمول بندهای (۱) و (۲) نمی‌باشند.»

بخش دوم: مفهوم مناسب سازی محیط زندگی معلول و جانباز

طی چند دهه اخیر، جنبش حقوق معلولان، موجب اقداماتی در جهت رفع موانع گوناگون در مسیر تردد و مشارکت اشخاص معلول شده است. در کشورهای مختلف قوانینی به منظور حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسیده است که یکی از اهداف مهم آن قوانین، مناسب سازی متعارف و قابلیت دست‌یابی محیط برای اشخاص معلول بوده است. اوج این حرکت در عرصه جهانی، تصویب کنوانسیون بین‌المللی «حقوق افراد دارای معلولیت» در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ بود. در این قوانین و مقررات، دولت‌ها، بخش‌های عمومی و گاه اشخاص خصوصی، متعهد به مناسب‌سازی محیط اعم از شهرها، روستاها، ساختمان‌ها، تجهیزات، وسایط حمل و نقل عمومی، محیط‌های شغلی و... جهت دستیابی سهل و آسان معلولان شده‌اند.^۶

۶. گزارش وضعیت مناسب‌سازی محیط شهری، تهیه و تنظیم: دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی محیط فیزیکی افراد معلول، بهار

به طور کلی باید گفت این قوانین، یک هدف بنیادین را که همانا مبارزه علیه تبعیض ناروا نسبت به اشخاص معلول است، تعقیب می کنند. در ماده دو کنوانسیون مزبور، تبعیض بر پایه معلولیت، اینگونه تعریف شده است: «هرگونه تمایز، استثنا و یا محدودیت بر پایه معلولیت که هدف و تأثیر آن لطمه زدن یا نفی شناسایی، بهره مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی های بنیادین بر مبنای تساوی با دیگران در عرصه مدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و یا هر زمینه دیگر می باشد. این مورد همچنین دربرگیرنده تمامی اشکال تبعیض از جمله نفی متناسب سازی منطقی نیز می گردد» (رسولی، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

در خصوص بحث مناسب سازی محیط که محور اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد، به طور کلی باید گفت که محیط اجتماع باید به گونه ای طراحی شود که معلولان و جانبازان بتوانند به سادگی و همانند اشخاص سالم به فعالیت های مختلف بپردازند. حقیقت آن است که می توان با بهینه سازی محیط شهرها، اماکن عمومی و خصوصی و نیز وسایل حمل و نقل عمومی، فرد دچار معلولیت را تبدیل به انسانی سالم کرد. کنار نهادن تبعیض اعمالی علیه معلولان، مستلزم به کارگیری نوعی تبعیض مثبت به نفع آنان است. اگر پارک اتومبیل ها در کنار خیابان ها و مراکز پررفت و آمد، موجب ایجاد دشواری و مشقت برای معلولانی که از خودروی شخصی استفاده می کنند می شود، باید با ایجاد محل های پارک مخصوص در مناسب ترین و نزدیک ترین موقعیت به مراکز مهم، برای معلولان و منع سایر رانندگان از بهره گیری از این محل های پارک، موجب دسترسی بهتر افراد معلول به این اماکن شد.

از مصادیق دیگر تبعیضات مثبت در جهت برقراری تعادل و برابری میان معلولان و اشخاص عادی جامعه، می توان به تعبیه مسیرهای معین برای عبور و مرور اشخاص در صندلی چرخدار و دادن اجازه به نابینایان در به همراه داشتن سگ راهنمای خویش هنگام ورود به اماکن عمومی اشاره نمود و این در حالی است که افراد عادی از

چنین امکاناتی برخوردار نیستند» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ۵۶).

شایسته است در این جا اصطلاح «مناسب سازی» تعریف گردد. کنوانسیون بین المللی، راجع به اشخاص معلول (مصوب دسامبر ۲۰۰۶) مناسب سازی را در ماده دو خود اینگونه تعریف می کند: «سازگاری و تغییرات مقتضی و ضروری که تکلیف و باری بی مورد و نامتناسب را تحمیل ننموده و حسب نیازمندی ها در مورد خاص، بهره مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی های بنیادین را برای افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین تضمین می نماید.» در بند الف ماده یک آیین نامه اجرایی ماده دو قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران، مناسب سازی اینگونه تعریف شده است: «اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل، به طوری که افراد معلول قادر باشند که آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و بین شهری و ساختمان های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره مند شوند.»

بخش سوم: مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارات علیه معلول و جانباز در اثر نقص محیط در حقوق ایران

همانطور که پیشتر ذکر گردید یکی از موارد مهمی که فرد معلول و جانباز، زیان دیده واقع می شود، مربوط به عدم مناسب سازی ساختمان ها، خیابان ها و اماکن عمومی یا خصوصی است. با توجه به تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تاریخ ۸۳/۲/۱۶ که دولت و سایر اشخاص را ملزم به مناسب سازی محیط جامعه جهت معلولان ساخته است، به بررسی تخطی از این تکلیف اخلاقی و قانونی اشخاص در حقوق ایران می پردازیم. بنابراین، این بخش را در ۲ مبحث شرح می دهیم. در مبحث اول به ارکان مسئولیت مدنی در انطباق با مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط و نقص آن می پردازیم و در دومین مبحث، خسارات قابل مطالبه بر اثر عدم مناسب سازی محیط توسط معلول و جانباز زیان دیده بررسی می گردد.



مبحث اول: ارکان تحقق مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط

چنان که می‌دانیم، ارکان مسئولیت عبارتند از: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است.

گفتار اول: ضرر

زیان به زیان مادی، زیان معنوی و ضررهای جمعی تقسیم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴). ضرر مادی گاه ممکن است موجب آسیب رسیدن به اموال شخص؛ گردد به نحوی که مال یا تلف شده یا دچار عیب و نقصان گردد. حال تصور کنیم فردی معلول در اثر عدم مناسب‌سازی محیط پیرامون، کنترل خود را از دست داده و شیء متعلق به او به زمین بیفتد و دچار عیب و نقص گردد. این مورد، فرضی آکادمیک و بعید نیست.

شخص نابینایی را می‌توان تصور نمود که به علت عدم گذاردن نرده در مقابل سطح مرتفع، به زمین خورده و به یکی از اموالش به طور مثال رایانه قابل حملش آسیب برسد. جدا از این موارد، ممکن است آسیبی بدنی به شخص معلول وارد آید. اشخاص دچار معلولیت‌های حسی به ویژه نابینایان، بیشتر از هر گروه دیگری در معرض خسارات مادی از این دست هستند. به طور مثال، در اثر گودبرداری جهت ایجاد بنا و عدم تعبیه موانع هشداردهنده، نابینایی به درون آن سقوط می‌کند. یا ممکن است شرکت گاز، آب، برق و یا مخابرات برای انجام عملیات لوله‌گذاری یا کابل‌کشی، زمین را حفر کند و بدون توجه به اینکه در این جامعه، اشخاص دچار آسیب بینایی تردد می‌کنند، هیچ علامت هشداردهنده‌ای قرار ندهد. این‌ها همان مثال‌های ملموس و عینی جامعه ایران است که برای نگارنده امری ناآشنا و غریب نیست.

در خصوص اینکه آیا عدم مناسب‌سازی منطقی می‌تواند موجب تحقق خسارت معنوی گردد، باید گفت که بی‌تردید چنین امری منجر به بروز ترس، نگرانی، فشارهای عصبی و حتی رنجش عاطفی و احساسی می‌شود. شاید پذیرش این مسأله، برای کسی که این موقعیت را تجربه نکرده، چندان آسان نباشد. اما فرد معلولی که می‌داند با پای نهادن به کوچه و خیابان به استقبال خطرات متعددی از

قبیل حرکت سیل‌آسای اتومبیل‌هایی که رانندگان آنها هیچ توجهی به وضعیت خاص او ندارند، وجود حفره‌ها و حتی چاه‌های حفاظت نشده، عدم وجود سطوح شیب‌دار که او را می‌دارد که حتی اگر پای رفتن نیز داشته باشد به سختی پله‌های متعددی را طی کند، همه این‌ها موجب نگرانی و فشارهای فراوانی بر فرد معلول خواهد شد. از سوی دیگر در جاهایی که حرکت فرد معلول با کمک رهگذران میسر می‌گردد، مانند عبور فرد نابینا از خیابانی عریض، رفتن فردی که در صندلی چرخدار است به طبقه دوم ساختمانی از طریق پله‌ها و... که گاه همراه با الفاظ و حرکاتی است که موجب تحقیر او شده و آسیب شدید عاطفی را به او وارد می‌کند، وی متحمل خسارات معنوی می‌شود. به هر روی، نسبت به اینکه در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد دچار معلولیت در معرض فشارهای روانی و عاطفی قرار می‌گیرد، نباید تردید کرد. اما اینکه طبق قوانین ما خسارات معنوی قابل جبران است یا نه، حکایتی است دیگر که از ورود به آن خودداری می‌شود.

در خصوص شرایط ضرر قابل مطالبه باید گفت، هرچند که برخی از نویسندگان شرایط ضرر را در ۴ مورد خلاصه کرده‌اند، اما باید آنها را در ۷ مورد ذیل خلاصه نمود: مسلم بودن ضرر، مستقیم بودن زیان، مشروعیت ضرر، مشخص بودن ضرر، زیان باید جبران نشده باشد، ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد و ضرر باید ناشی از اقدام زیان دیده نباشد (همان منبع، ص ۲۷۸).

در اینجا قصد ارزیابی تمامی این شرایط را نداشته و بنابر آن است تنها مواردی که می‌تواند در خصوص خسارت وارده به اشخاص معلول در اثر عدم مناسب‌سازی مورد بحث قرار گیرد، مطرح شود. به نظر می‌رسد دو شرط مسلم بودن ضرر و آنکه ضرر نباید ناشی از اقدام زیان دیده باشد، جای مطالعه و ارزیابی دقیق دارد.

راجع به مسلم بودن زیان، شایسته است که نکاتی را مورد تذکر قرار داد. ماده ۷۲۸ از قانون آ. د. م سابق در مورد خسارت انجام ندادن تعهد، مقرر می‌داشت که مدعی خسارت باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده است. نویسندگان حقوق چنین استنباط می‌کردند که ورود ضرر باید در

گذشته مسلم باشد. اما ماده ۵۱۵ از ق.آ.د.م مصوب ۷۹/۱/۲۱ بیان می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد و یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد...» در این ماده به خوبی دیده می‌شود که خسارات قابل وقوع در آینده نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور کلی تردیدی که در خصوص مسلم بودن زیان وجود دارد مربوط به دو مورد است: یکی زیان آینده و دیگری از دست دادن شانس و موقعیت عملی (قاسم زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲).

در مورد نخست تنها به این نکته اکتفا می‌شود که علی‌الاصول زیان دیده نمی‌تواند زیان‌های احتمالی در آینده را مطالبه کند. با وجود این باید اذعان داشت که اگر خساراتی در آینده، و نتیجه و اثر زیان وارده در گذشته باشد و دادرسی آن را احراز نماید، نباید از صدور حکم به جبران چنین زیان‌هایی امتناع ورزند. مانند هزینه‌های مربوط به مراقبت و نگهداری از بیماری یا معلولیت تحمیلی که در آینده بر دوش زیان دیده سنگینی می‌کند را باید زیان‌های فعلی و مسلم قلمداد نمود. مضافاً با نگاهی به حکم ماده پیش گفته، خسارات احتمالی و آینده نیز قابل مطالبه است.

آنچه در این خصوص می‌تواند جای بحث بیشتر داشته باشد، مربوط است به از دست دادن شانس و امکان موقعیت عملی. پرسش آن است که اگر در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد جانباز یا معلولی موقعیت عملی را از دست دهد، آیا می‌تواند برای جبران چنین زانی به شخص مقصر در امر مناسب‌سازی مراجعه نماید؟ با ذکر مثال‌هایی، سعی می‌کنیم مسأله را روشن‌تر سازیم. به علت عدم مناسب‌سازی ساختمان محل برگزاری کنکور و عدم پیش‌بینی مسؤولان امر، فرد در صندلی چرخدار نمی‌تواند در کنکور سراسری شرکت کند، آزمون ورودی دانشگاه‌ها برای اشخاص نابینا، ناشنوا یا کسانی که از ناحیه دست دچار معلولیت می‌باشند متناسب‌سازی نمی‌شود. به علت عدم مناسب‌سازی ساختمان ادارات و کارگاه‌ها، افراد معلول جسمی- حرکتی، عملاً بخت دستیابی

به مشاغل گوناگون را از دست می‌دهند، یا به طور مشخص افراد در صندلی چرخدار در ایران، امروزه نمی‌توانند به علت عدم مناسب‌سازی بناهای دادگستری به حرفه وکالت بپردازند. از این دست مثال‌ها فراوان است و بسیاری از جانبازان این مرز و بوم، عملاً فرصت‌های تحصیلی، شغلی و حتی تفریح و ورزش را از دست می‌دهند و این در حالی است که می‌توان با متناسب‌سازی ساختمان‌ها و محیط کار و غیره، امکان پرداختن به فعالیت‌های گوناگون را برای این قشر فراهم آورد. چه تفاوتی میان بازداشتن بازرگانی از حضور در مجلس مزایده یا جلوگیری از شرکت اسبی در مسابقات و محروم ماندن جانبازی از دسترسی به حرفه‌ای خاص وجود دارد؟ تنها تفاوتی را که می‌توان تصور نمود آن است که برای موارد نخست، عامل ورود زیان با دست زدن به فعلی مثبت و ملموس موجب محرومیت می‌شود. اما مورد دوم که غالباً از مصادیق تبعیض غیرمستقیم است، شخص حقیقی و حقوقی عامل ورود خسارت با بی‌تفاوتی یا ترک فعلی، عملاً مانع دستیابی فرد معلول به فرصت و موقعیتی می‌شود.

در برخی از کشورها صرف از دست دادن موقعیت و فرصتی به عنوان ضرر قابل جبران انگاشته شده است. هر چند که از نظر حقوقدانان، پذیرش این مورد در حقوق ایران به عنوان یک قاعده، دشوار تلقی شده است. برای رفع تبعیض غیرمستقیم علیه اشخاص معلول و رسیدن آنان به فرصت‌ها و حقوق برابر با سایرین، قابل جبران بودن چنین زیان‌هایی را در مواردی که احتمال اصابت امکان به هدف، زیاد می‌رود باید پذیرفت.

گفتار دوم: فعل زیانبار

عدم مناسب‌سازی، غالباً به صورت ترک فعل نمودار می‌گردد. باید اذعان نمود که عدم متناسب‌سازی یکی از مهم‌ترین مصادیق تبعیض غیرمستقیم است که به صورت ترک فعل ظهور خارجی پیدا می‌کند. شاید در برخی موارد چنین به نظر برسد که آسیب وارده، در اثر فعل ایجابی تحقق یافته است. به طور مثال، شخصی برای ایجاد ساختمانی گودبرداری می‌کند و یا سازمان آب یا برق برای لوله‌کشی یا کابل‌کشی زمین را حفر می‌کند و در اثر آن فرد نابینایی دچار آسیب می‌شود. این



پندار را نباید صحیح انگاشت. چراکه حفر زمین برای مقاصد گوناگون نمی‌توانسته عملی زیانبار قلمداد شود. در اینجا عدم گذاشتن حفاظ‌های هشداردهنده یعنی عدم متناسب‌سازی، موجب ایراد خسارت شده است. اگر شهرداری پل عابر پیاده را تعبیه کند اما در قسمتی از آن نرده‌های محافظ قرار ندهد و فرد دچار آسیب بینایی یا کودکی سقوط کند، عدم گذاشتن نرده‌های محافظ را باید به عنوان فعل زیانبار تلقی نمود.

معمولا این نوع خسارات در اثر فعل غیرمستقیم وارد کننده زیان به قربانی وارد می‌شود و اصولاً زمینه تحقق زیان فراهم می‌گردد و بنابر اصطلاح قانون مدنی ایران، در اثر تسبیب به وقوع می‌پیوندد. در حقوق ایران جهت تحقق مسئولیت ناشی از تسبیب، تقصیر عامل باید اثبات گردد. بنابر تعریف موجود در ماده ۹۵۳ از ق.م «تقصیر اعم از تعدی یا تفریط» بوده و تعدی شامل فعل ایجابی و تفریط شامل فعل سلبی است. اگر بخواهیم معیار شناسایی فرد خطاکار را، نگاه عرف آن چنان که مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ از قانون مدنی در نظر دارد، بیان‌گریم، از آنجایی که ذهنیت مردم ایران با امر متناسب‌سازی چندان آشنایی ندارد و معمولا اکثریت، بدون مناسب‌سازی دست به ایجاد محیط‌های خطرناک برای افراد معلول می‌زنند، بدون آنکه در اندیشه رفع این خطر از طریق متناسب‌سازی باشند، شاید نتوان عامل ورود خسارت را خطاکار انگاشت. اما چنان که می‌دانیم در شناسایی فرد خطاکار، معیار، انسان متعارف است و انسان متعارف دست به کاری نمی‌زند که برای دیگران فراخور شرایط آنان خطرآفرین باشد. پذیرش این مطلب، برخلاف عقل سلیم است که گودال عمیقی، در معبر عموم حفر گردد ولی برای فرد نابینا خطرآفرین نباشد.

ممکن است با این استدلال مواجه گردیم که علی‌الاصول دولت و سازمان‌های دولتی، اگر اقدام به حفر زمین در معابر عمومی می‌کنند، از باب اعمال حاکمیت بوده یا آنکه اگر شهروندان در ملک خویش زمین را حفر کنند و فرد جانباز در اثر سقوط در آن دچار آسیب گردد، عمل حفر به عدوان نبوده و او معاف از جبران خسارت خواهد بود. چنان که پیش از این نیز گفته شد در اینجا سخن از کندن چاه یا ایجاد محیط خطرناک به میان نیست. آنچه مدنظر است، عدم متناسب‌سازی است؛ یعنی عدم گذاردن موانع هشدار دهنده.

برای مقصر دانستن فرد مساحه‌کار در مناسب‌سازی، وجود قوانین موضوعه در این خصوص کفایت می‌کند. (ماده دو از قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و آیین‌نامه اجرایی آن). مطابق تعریف مندرج در قانون مجازات اسلامی، تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی. پس هرگاه اشخاص پیش‌بینی شده در ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولان از تکلیف قانونی مبنی بر متناسب‌سازی محیط سرباز زنند، مسئول خواهند بود. این تکلیفی است معین که در مقررات پیش‌بینی شده است. اما با توجه به سیاست قانون‌گذار مبنی بر ادغام اجتماعی اشخاص معلول، اعضای جامعه مکلفند حضور این افراد را باور داشته باشند و در فعالیت‌های گوناگون خویش از اقداماتی که آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد، خودداری ورزند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان تصدیق نمود که تکلیف احتراز از ایجاد محیط‌های خطرناک برای معلولان، تعهدی است عام.

گفتار سوم: رابطه سببیت

در خصوص رابطه سببیت نیز ذکر این نکته کافی است که وجود رابطه علیت میان فعل زیانبار و زیان حاصل، به گونه‌ای است که فعل موردنظر، باید بدون لحاظ امر متناسب‌سازی تحقق یافته باشد. به طور مثال، ساختمانی ایجاد شده باشد اما آسانسوری که صندلی چرخدار بتواند وارد آن گردد، برای طبقات فوقانی تعبیه نشده باشد. حفر و گودبرداری صورت گرفته بدون تعبیه حفاظ باشد و نمونه‌هایی از این قبیل.

مبحث دوم: خسارات قابل مطالبه

یکی از نکات مهمی که در خصوص این موضوع مطرح می‌باشد آن است که مراد از خسارات چیست؟ و به عبارت دیگر آیا خسارات مورد نظر دارای عناوین مشخص و محدود هستند؟ به موجب قانون مسئولیت مدنی که قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، مطابق مواد ۶ و ۵، ۲، ۱ قانون مذکور در مواقع بروز صدمات بدنی خسارت‌های وارده به شرح زیر که متوجه مجنی علیه شده باشد، قابل مطالبه بوده است:

الف) هزینه معالجه
ب) خسارت از کارافتادگی
ج) افزایش مخارج زندگی
د) خسارت معنوی

و اگر صدمه بدنی منجر به مرگ شخص آسیب دیده می‌شد «کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن» بر عهده وارد کننده صدمه بود و اگر مرگ فوری نبود «هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب می‌شد» (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

سئوالی که مطرح می‌گردد این است که آیا خسارات معنوی، قابل مطالبه توسط جانباز می‌باشد؟ به عنوان مثال زمانی که جانبازی در اثر سهل انگاری یک اداره دولتی در عدم مناسب سازی راه پله‌ها و قابل دسترس نبودن آن برای افراد معلول، دچار حادثه شده و علاوه بر خسارات جسمانی، دچار وحشت دائمی از راه پله شده و یا دچار سرخوردگی می‌گردد و به این ترتیب، به موضوع جبران خسارات معنوی فرد معلول بر می‌خوریم آیا این خسارات را می‌توان دریافت نمود؟ در واقع مقصود از خسارت معنوی، آسیب‌های روحی و روانی، درد و یا رنج یا زیان به ابروی اشخاص است که به طور محسوس و مادی در بیرون قابل احساس و درک نمی‌باشد. همانگونه که در برخی منابع فقهی آمده است در صدق عنوان ضرر و خسارت بر آسیب معنوی جای تردید نمی‌باشد. چنانکه بر اهتمام شارع مقدس نسبت به جلوگیری از زیانهای معنوی جای شبهه نیست. قلب مومن عرش الهی است (لا یسعی ارضی ولاسمانی ولکن یسعی قلب عبدی المومن). شان صدور روایت در حدیث لاضرر، خسارت معنوی بود که از سوی سمره بن جندب بر انصاری و خانواده او وارد می‌آمد (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۸۷). در حرمت اضرار معنوی جای شک نمی‌باشد ولی در تقویم و اندازه گیری بهای آن به صورتی که امروزه در حقوق غرب مطرح و مورد عمل است جای تردید و تامل وجود دارد زیرا خسارات معنوی قابل اندازه گیری به پول نمی‌باشد و از طرف دیگر دامنه خسارت دیدگان در خسارات معنوی نامحدود است. بنابراین بهتر است تا راهکاری جهت جبران این خسارات

علاوه بر دیده پرداختی که در اثر صدمات جسمی به افراد معلول پرداخت می‌شود در نظر گرفته شود تا حریم روحی افراد معلول و حیثیت آنان حفظ شود. به اعتقاد نگارنده اساساً خسارات معنوی نه قابل اندازه گیری هستند و نه آنکه به مانند خسارات مادی با پرداخت و جوهی قابل تدارک است، بلکه حاکم و قاضی چنانچه منشاء ورود خسارات معنوی را جانی بدانند و عامل آنرا بی مبالاتی وی تشخیص دهد، می‌تواند جهت تشفی خاطر مجنی علیه و اولیای وی از راهکارهایی مانند پرداخت خسارات به فرد آسیب دیده توسط جانی و در صورت عدم توانایی پرداخت جانی از طریق صندوق مخصوصی جهت کمک دولت به افراد معلول، استفاده کند، زیرا جایز نیست که در مورد این اشخاص، تنها به پرداخت دیه بسنده نمود. مثلاً درد جسمی که به زیان دیده وارد شده یا رنج روحی یا روانی، همه و همه می‌تواند تا زمانی که فرد معلول زنده است با او همراه باشند.

لازم به ذکر است قانون مسئولیت مدنی از خسارت معنوی تعریفی ارائه نداده است اما به طور کلی زیان‌های معنوی همان صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است. مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴). البته در مورد امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی میان حقوقدانان اختلاف وجود دارد مخالفان این نوع خسارت مطالبه آن را از لحاظ نظری، فنی و اخلاقی مقدور ندانسته‌اند. از لحاظ نظری چون خسارت معنوی قابل تقویم به پول نیست و تادیه پول نمی‌تواند موجب جبران این نوع خسارت شود و از نظر فنی امکان تعیین میزان چنین خسارتی وجود ندارد چون قابل ارزیابی به پول نمی‌باشد و از لحاظ اخلاقی نیز ناگوار و زننده است که متالم از خسارت معنوی اقدام به طرح دعوی نموده و درد و رنج و ناراحتی خود را با پول مطالبه کند (حسینی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۷۱).

اما به تدریج این طرز تفکر تضعیف شد و حقوقدانان به این نکته توجه کردند که پرداخت ضرر و زیان معنوی هر چند به طور کامل اعاده حیثیت و اعتبار نمی‌کند لیکن تا اندازه‌ای ناراحتی‌های مجنی علیه را کاهش می‌دهد و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۲۹۵

موجب کاهش این نوع از ضررها می‌شود. مضافاً با اینکه امروزه ارزش و اهمیت زیان معنوی گاهی به مراتب بیشتر از ضررهای مادی است لذا نمی‌توان ضرر و زیان معنوی را نادیده گرفت و اعتبار و حیثیت افراد را بلا دفاع گذاشت (آخوندی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۵).

با توجه به موارد گفته شده در فوق به نظر می‌رسد، جانباز حق دارد خسارات وارده به خود که جنبه معنوی دارند را مطالبه نماید.

هم چنین ۳ نوع خسارات وارده که در قانون مسئولیت مدنی به آن اشاره شد یعنی هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی، افزایش مخارج زندگی، در زمره خسارات مادی قرار می‌گیرند و همه آنها منشا واحدی دارند. مثلاً هزینه معالجه شامل هزینه بیمارستان، خرید دارو و... است که بر دوش فرد معلول یا خانواده او تحمیل می‌شود.

نتیجه گیری و جمع‌بندی

در نگاه اولیه این‌گونه به نظر می‌رسد که در جایی که جانباز یا معلولی زیان دیده واقع می‌شود، و یا فرد سالمی معلول می‌گردد تحت قواعد عمومی قرار می‌گیرد و بحث چندانی در این خصوص قابل طرح نیست. اما این پندار درست نیست. امروزه بسیاری از معلولان قربانی تبعیضات ناروا می‌شوند. طی دهه‌های اخیر گام‌های جدی جهت رفع انواع تبعیض علیه معلولان برداشته شده است، در حوزه مسئولیت مدنی، هم حقوق‌دانان و هم قاضی باید در اندیشه جبران زیان‌های قربانیان تبعیض ناروا باشند. یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر حق تردد و آمد و شد است. افراد جانباز نیز حق زندگی در این جهان را دارند. برای دستیابی به این مهم، انجام مناسب‌سازی منطقی حائز اهمیت فراوان است. کسانی که با زیر پا نهادن قوانینی که مناسب سازی منطقی را ضروری می‌دانند، امنیت تردد و حضور معلولان در جامعه را به مخاطره می‌افکنند، علاوه بر ضمانت اجرای اداری یا کیفری، باید در صورت ایراد آسیب، آن را جبران کنند و خساراتی که به جانباز و معلول زیان‌دیده تعلق می‌گیرد هم شامل خسارات مادی است و هم خسارات معنوی.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، منصور (۱۳۸۵) رساله کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، نگاهی به حقوق افراد سالخورده، دانشگاه آزاد واحد تفت.
۲. اکبری، موسی الرضا (۱۳۸۴) مسئولیت جبران خسارت معنوی در ایران، مجله دادرسی، شماره ۵۲.
۳. آخوندی، محمود (۱۳۷۹) آئین دادرسی کیفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم.
۴. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۶) مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۵. حیدری، عباسعلی (۱۳۸۵) قابل مطالبه بودن خسارات مازاد بر دیه، مجله فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد بابل، شماره ۵.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۷. رحمانی، مهدی (۱۳۹۰) حقوق کودکان معلول، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، پردیس بین‌الملل.
۸. رسولی، حامد (۱۳۹۱) کنوانسیون حقوق معلولان و تطبیق با قوانین داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه شیراز.
۹. علوی، سیدامین ا... و کابلی، رشید (۱۳۸۲) اشتغال معلولان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
۱۰. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۴) مسئولیت مدنی شخص غیرممیز، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره اول.
۱۱. کمالی، محمد، ایران، فریبا (۱۳۸۲) مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۷.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۳. میرخانی، مجید (۱۳۷۸) مبانی توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
14. 14. Alexandra G. White. Paralyzing Disord: Workplace Safcty. Paternalism. And The Accommodation Of Biological Variance In The Americans With Disabilities Act. Louisiana Law Review. Winter. 2003